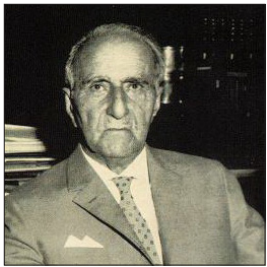


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## یکی از فرزندان کوچک ایران



ابراهیم پورداود ایران‌شناس معاصر، اوستاشناس، نخستین مترجم فارسی اوستا و استاد فرهنگ ایران باستان و زبان اوستایی در دانشگاه تهران، ۲۰ بهمن ۱۲۶۴ شمسی در رشت متولد شد. در مدرسه طلاب رشت تحصیل کرد. وقتی به تهران آمد به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت، سپس عازم بیروت و پاریس شد و رشته حقوق را انتخاب کرد. پورداود از جوانی اهل مطالعه و تحقیق بود. در جنگ بین‌الملل اول که متفقین بی‌طرفی ایران را نقض کردند، روزنامه «رستاخیز» را دایر کرد و بر ضد اشغالگران مقالاتی نوشت. پس از سفرهای بسیار به هند رفت و به مطالعه کتب قدیمی پرداخت و درباره اوستا و مزدیسنا بررسی عمیقی کرد و کتابی به‌نام «خر مشاه» نوشت و اطلاعاتی ارزشمند را در دسترس پژوهندگان قرار داد. پورداود در باره تمدن ایران باستان در اروپا مطالعه کرد و به دعوت «تاگور» فیلسوف معروف هندی، به استادی دانشگاه در هندوستان اشتغال یافت. سرانجام بر حسب دعوت دانشگاه تهران به ایران آمد و در این دانشگاه به تدریس پرداخت. استاد پورداود که مدت ۳۰ سال در خارج از کشور اقامت داشت نتیجه بررسی‌ها و مطالعات خود را در چند جلد کتاب تنظیم کرد و سمت‌هایی از قبیل ریاست انجمن باستان‌شناسی، ریاست هیئت نمایندگان ایران در کنگره خاورشناسان در مسکو و عضویت آکادمی جهانی و هنر را بر عهده داشت.

لیبراهیم پورداود ۲۶ ۱۳۳۷ در تهران درگذشت و طبق وصیتش در آرامگاه خانوادگی اش در رشت به خاک سپرده شد. او با تمام علم و دانشی که داشت می‌گفت: یکی از فرزندان کوچک ایرانم و بسیار برایم دشوار است که از خود چیزی بنویسم.

### خودزنی / محیط‌زیست

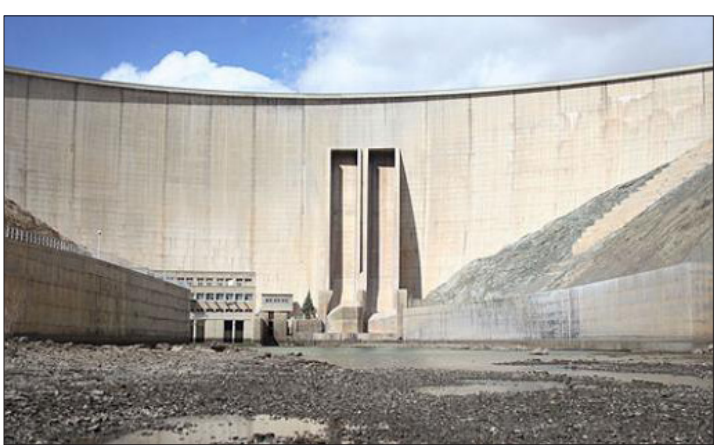
## با چشمان کاملا بسته

محمدتقی توکلی از شیوه‌های سدسازی در ایران گفت

یک عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی ضمن انتقاد از سدسازی بی‌رویه در کشور بر لزوم بازنگری در ساخت سدها و همچنین اتخاذ نگاه ملی به جای نگاه منطقه‌ای به‌منظور مدیریت مصرف آب تأکید کرد.
محمدتقی توکلی گفت: به قدری در حوزه‌های آبریز کشور سد زده‌ایم که هر سیلی بیاید کنترل می‌کنند اما ما می‌گوییم که مهار آب بیش از یک حد مشخص به اکوسیستم‌ها ضرر می‌زند. آب باید در حوزه‌ها شود و نیازهای حوزه را تأمین کند. اگر قرار باشد هر قطره آب را کنترل کنیم، خسارات زیادی به اکوسیستم‌ها وارد می‌شود. خیلی از جانوران، گیاهان و جمعیت‌هایی که در پایین‌دست آب‌ها ساکن هستند در اثر اقدامات با کاهش آب مواجه می‌شوند.

او با اشاره به سیلاب اخیر غرب کشور گفت: سیلی مثل آنچه در ایلام یا لرستان می‌آید استثناست. ما سیلاب‌ها را با نگاه ۲۵ ساله و ۱۰۰ ساله می‌بینیم. وقتی سازه‌های مثل پل‌ها و استخرها و مخازن که در سر راه برای کنترل آب‌ها ایجاد شده تخریب می‌شوند، به این علت است که ظرفیت سیل بالاتر از آن سازه‌ها است. یعنی سازه‌ها برای سیل ۲۵ ساله طراحی شده اما سیل لرستان ۱۰۰ ساله بوده؛ طبیعتاً ظرفیتش چهار برابر است در نتیجه تخریب می‌کند. این سیل‌ها دائمی نیستند. دوره برگشت این‌ها صد سال است یعنی امکان دارد هر صد سال چنین سیلی بیاید. ولی در خیلی از جاهای دیگر کشور مان خشکسالی حاکم است و اگر سیلاب بیاید، سدهای مخزنی که داریم، می‌توانند آن را کنترل کنند. توکلی با تأکید بر اینکه سیل در حاشیه شهرها و در داخل شهرها تخریب‌کننده است توضیح داد: علتش این است که مادر کاربری اراضی تغییراتی ایجاد کرده‌ایم. تبدیل اراضی کشاورزی یا پوشش گیاهی موجب شده کاربری اراضی عوض شده و بسیاری از این اراضی به ساختمان تبدیل شوند، در نتیجه روان‌آب‌ها بیشتر شده‌اند و اینها در هنگام وقوع سیل تخریب‌کننده‌اند. ما باید در جهت کنترل این موارد، هم آبخیزداری‌ها را داشته باشیم هم پوشش گیاهی را حفظ کنیم و هم سعی کنیم اجازه ندهیم اراضی که پوشش دارند تخریب شوند. این نماینده مجلس در انتقاد به ساخت بی‌رویه سد نیز اظهار کرد: ما به دلیل اینکه جمعیت‌مان روز به روز افزایش پیدا می‌کند نیاز به آب داریم؛ ولی مورد نیاز صنعت و آب شربمان باید تأمین شود. ما می‌گوییم سد برای نگهداری آب لازم است، آب نباید به قدری سد زنیم که اولاً تأثیر منفی روی سدهایی که در پایین دست هستند داشته باشد و این سرمایه‌گذاری‌ها از بین برود. دوم اینکه منابعی که سدها آنها را تغذیه می‌کند مثل دریاچه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی نباید تحت تأثیر منفی قرار گیرند.

توکلی تأکید کرد: مدیریت حوزه آبریز باید به اندازه ظرفیت هر حوزه باشد. می‌توانیم مدیریت کنیم با توجه به آبی که در حوزه آبریز هست کجا سد بزنیم، کجا رها کنیم و کجا آب زیرزمینی را تغذیه کنیم. اگر این موارد مدیریت شود تعداد سدهایمان خیلی زیاد نمی‌شود ولی ما داریم چشم‌بسته سد می‌زنیم؛ چون آبگیری نکردیم و به بهره‌برداری نرسیده‌ایم عواقبش را نمی‌دانیم. اگر سدهای این حوزه‌ها به بهره‌بردای برسند، سدهای پایین‌دست که مهم‌ترین سدهای کشورند تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرند؛ مثل سد سفیدرود در گیلان، سد کرخه در خوزستان و سد زاینده‌رود در اصفهان. (منبع: ایسنا)



### فارسی را پاس بداریم

## «فراز»‌های «حسرت‌برانگیز» رسانه‌های دیداری و شنیداری

لطفاً جملات و عبارتی‌را که دربی می‌آید مرور کنید: «مهدی عاشق‌الحسینی، سرانجام در اول تیرماه ۱۳۶۳ شمسی، هم‌زمان با لیلی قدر، حق‌نام‌فامیلی حسرت‌برانگیز خود را ادا کرد» / «ژست حسرت‌برانگیز آقای احمدی‌نژاد» / «میز لپ‌تاپ حسرت‌برانگیز!» / «بوسه‌های حسرت‌برانگیز رهبری بر گونه جوانان نخبه‌سیبجی» / «فیثالیست شدن یوهه حسرت‌برانگیز است» همان‌طور که می‌بینید واژهٔ مرکب «حسرت‌برانگیز» در همه موارد بالا تکرار شده است؛ واژه‌ای که این روزها از مجریان رادیو و تلویزیون بسیاری می‌شنویم، در رسانه‌های خویشم و اگر راه‌داد خودمان هم در گفته‌هایمان به کارش می‌بریم. اما «حسرت‌برانگیز» غلط است. «برانگیز» فعل امر است. بنابراین «حسرت‌برانگیز»، صفت فاعلی مرکب نیست، بلکه یک جمله کامل امری است و «حسرت»، نقش مفعول آن را بر عهده دارد. درست آن است که به جای «حسرت‌برانگیز» بگوییم و بنویسیم: «حسرت‌انگیز».

کلمه دیگری که امروز می‌خواهم درباره‌اش برایتان بنویسم «فراز» است. «فراز» هم از آن کلماتی

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

## باباطاهر عریان؛ از افسانه تا واقعیت

نگاهی به کتاب «شرح احوال و نگاهی به آثار؛

ابو محمد طاهر جصاص همدانی»

اهمیت مجموعه تاریخ اندیشه (عرفان و ادبیات ایرانی) که به همت نشر فرهنگ معاصر و زیر نظر استاد نصرالله پورجوادی منتشر می‌شود، رویکرد علمی حاکم بر این مجموعه است زیرا این رویکرد به تنایچی انجامیده که پاره‌ای باورهای تاریخی خواننده را به چالش می‌کشد و او را دعوت به بازاندیشی دوباره در این حوزه می‌کند.

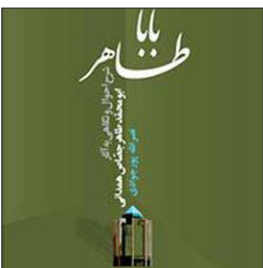
«باباطاهر» (ابومحمد طاهر جصاص همدانی) سومین اثر از این مجموعه، به شرح احوال و نگاهی به آثار این چهره نام‌آشنا اختصاص یافته است. محتوای ارزنده و غنی این کتاب (همچون دیگر پژوهش‌های منتشر شده توسط پورجوادی)، از آن روست که بر پایه رویکردی در تاریخ‌نگاری نوشته شده است که لااقل تا دو سده پیش از این نمونه‌ای در تاریخ اندیشه ایرانی نداشته و از آن تاریخ به این سو نیز نمونه‌های آن چندان پر شمار نبوده‌اند. استاد پورجوادی در مقدمه کتاب حاضر کوشیده با پرداختن بر غیاب تاریخ‌نگاری علمی، به ویژه در حوزه تاریخ اندیشه ایرانی و همچنین تاریخ دین، بر اهمیت استفاده از این شیوه علمی که می‌تواند ما را به دریافت‌هایی کاملاً متفاوت اما استوار بر واقعیت برساند، تأکید داشته باشد.

دکتر نصرالله پورجوادی در سومین کتاب از مجموعه تاریخ اندیشه، به سراغ باباطاهر رفته است که از چهره‌های معروف تاریخ تصوف در ایران است؛ اما برخلاف تصور عامه مردم چهره واقعی این شخصیت از جنبه‌های گوناگونی تاکنون در هاله‌ای از ابهام بوده است. این ابهام هم در در زندگی و هم در آثار و هم از منظر جایگاه او به عنوان یکی از پیشوایان تصوف، وجود داشته است. البته باباطاهر در میان ایرانیان بیش از آنکه به عنوان صوفی شناخته شود به عنوان شاعر معروف بوده است اما هنوز در مورد شاعری او هیچ حکم قطعی نمی‌توان صادر کرد. برخی او

یا عاقبت از چشم فسون سازم ده
یا آنکه زبان شکوهر بردازم ده
یا درد و غمی که داده‌ای بارش گیر
یا جان ودلی که برده‌ای بازم ده
(رهی معری، شاعر معاصر، رباعیات)

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۱۱ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۷ | اذان مغرب: ۱۷:۱۷ |

## سوت‌بان



شرح احوال و نگاهی به آثار؛ ابو محمد طاهر جصاص همدانی نصرالله پورجوادی انتشارات فرهنگ معاصر قیمت: ۱۸۰۰۰تومان صفحه ۲۰۸

رای قدیمی‌ترین شاعر صوفی، در زبان پارسی می‌دانند و برخی هم هیچ‌یک از اشعار منسوب به او را اصیل نمی‌دانند. ابهام در مورد باباطاهر تنها معطوف به اشعار یا آثار او نیست، بلکه دامنه آن تا زندگی او نیز گسترده شده است تا آنجا که برخی دو طاهر را در این مقطع زمانی شناسایی کرده‌اند، یکی طاهر جصاص و دیگری بابا طاهر. نصرالله پورجوادی در این کتاب کوشیده با

رویکردی تاریخی و البته علمی به زندگی، آثار و آرای باباطاهر پرداخته و در یک بستر تاریخی و جوه‌شناختهٔ باباطاهر را مورد توجه قرار داده و با کنار هم قراردادن منابع مختلف آنها را از ابهام خارج سازند. پورجوادی در مقدمه این کتاب و نیز فصل نخست آن با طرح بحث تاریخ‌نگاری ارزش‌ادی به ویژه در حوزه تصوف به رذیای چهره باباطاهر در این قسم منابع تاریخی پرداخته و در فصل اول با مروری بر گزارش‌های تاریخی گوناگون، چهره افسانه‌ای باباطاهر را پیش روی خواننده کتاب قرار می‌دهد. در فصل دوم به رابطه طاهر و عین‌القضات همدانی می‌پردازد. پورجوادی همچنین از ماجرای طاهر جصاص همدانی که برخی آن را طاهری دیگر می‌دانسته‌اند، رازگشایی کرده و بر این مهم تأکید می‌کند که تنها یک طاهر وجود داشته و نه بیشتر. پورجوادی در به سامان رساندن پژوهشی تا این اندازه پرمایه، از زیاده‌گویی پرهیز کرده و پس از تصویر کردن بابا طاهر افسانه‌ای در ابتدای کتاب، به تدریج با پس زدن این جوه افسانه‌ای تصویر واقعی بابا طاهر را از دل پژوهش خود بیرون کشیده و در برابر مخاطب قرار داده است. (منبع: الف)

### گردش روزگار برعکس است



هیولا در پاریس

طرح: Naji Benaji / مراکش

### با کاروان حله / اخبار هنر

## شهاب حسینی درباره خسروشکیبایی چه گفت



شهاب حسینی، پس از پایان اکران خصوصی فیلم «چهارشنبه» گفت: «همیشه دلم می‌خواست که ما هم به سهم خودمان کاری به سبک گذشتگان بر جای بگذاریم،» او درباره سابقه آشنایی خود با تهیه‌کننده فیلم «چهارشنبه» گفت: «سابقه آشنایی من با آقای یوسف وجدان دوست به سرپال سرزمین کهن برمی‌گردد. ایشان بسیار فرد باذوقی هستند. بعد از آن با سرروش محمدراده آشنا شدم که به نظرم

خیلی شبیه جوانی‌های آقای کیانوش عیاری است؛ هم به لحاظ چهره و هم از نظر نگاهی که به سینما دارد.» وی در خصوص بازبگر نقش «طاهر» در فیلم «چهارشنبه» گفت: «آرمان درویش مثل برادر من است و در این مدتی که با هم دوست بودیم او را فردی زحمتکش و ساده دیدم که مثل خود ما از طبقات متوسط اجتماع است. آرمان آدمی صاحب اندیشه و نظر است.» شهاب حسینی در خصوص نقش خود در فیلم «چهارشنبه» و نظر منتقدان نیز گفت: «تعارف لطف دوستان منتقد است. من سعی می‌کنم ثمره بودن خودم را ارائه کنم. بعضی وقت‌ها که به قطعه هنرمندان و سر مزار استاد خسروشکیبایی می‌روم تنها چیزی که دلم را آرام می‌کند این است که می‌گویم استاد شما سهم خودت و حتی بیش از سهم خودت را به سینمای ایران ادا کردی. در دوران نه چندان طولانی که زیست کردی اثری از خودت بر جای گذاشتی که بعد از خسروشکیبایی بازگویی به فضای جدیدی وارد شد. همیشه دلم می‌خواست ما هم به سهم خودمان چنین کاری از خود به جای بگذاریم.»

## موزه هنرهای معاصر ایران به آلمان می‌رود



موزه هنرهای معاصر ایران پیشگام حرکتی شده که به‌گمان نویسنده نشریه اینترنتی «روزنامه هنر» می‌توان آن را حمله‌نرم ایران به غرب دانست. نویسنده نشریه اینترنتی «روزنامه هنر» در تحلیل خود از هنر ایران و تفاهم‌نامه‌ای که میان موزه هنرهای معاصر تهران و بنیاد پژوهش پروس آلمان منعقد شده، آورده است: موزه هنرهای معاصر تهران با گشودن گنجینه خود رو به موزه‌های غربی، قرار است بخشی از آثار

منحصر به‌فرد و یکتای خود را برای نمایش در این مراکز به آنها قرض بدهد و انگار کشور آلمان بر همه پیش‌دستی کرده و جلوتر از همه ایستاده است. طبق آخرین اخبار و برپایه نوشته این پایگاه اینترنتی مجموعه‌ای از آثار هنرمندان و نقاشان مدرن خارجی و ایرانی موجود در گنجینه موزه تهران، سال آینده میلادی در برلین در برابر دید‌عموم قرار می‌گیرند. نام‌هایی چون بیکاسو، روتکو، پولاک و بیکن در صدر این مجموعه قرار می‌گیرند همین کافی است که مراکز هنری دیگری چون موزه «رهنه‌ورن» و «باغ پیکره‌ها»، خواستار این مجموعه هنری باشند و برای نمایش آن در صف بایستند. مذاکرات اولیه برای نمایش این آثار و قرض دادن این مجموعه در حال انجام است ولی به‌گفته سخنگوی موزه، هنوز این موضوع نهایی نشده است. به‌نوشته روزنامه هنر مجموعه‌موزه هنرهای معاصر تهران از نظر تنوع و گستردگی موضوع، بهترین مجموعه هنر قرن بیستم است که در خارج از مرزهای اروپا و آمریکا قرار گرفته و در چند سال گذشته این مجموعه با باز شدن مرزهای فرهنگی، توانسته توجه بسیاری را به خود جلب کند.

معنای فراز در این مثال‌ها کاملاً روشن نیست. به‌نظر می‌رسد که گویندگان این جمله‌ها آن را به معنای «بیان‌والا» یا «لحظه‌مهم» به کار برده‌اند. اما اینکه این کلمه و این معنای آن کجا آمده و اینکه آیا گویندگان از معنای الفاظی که به‌کار می‌برند آگاهی دارند خود حدیث‌دیگر است. در حقیقت کلمه فراز از درآمیختن سه کلمه و سه معنای مختلف ساخته شده و چیزی بی‌معنایی از آب در آمده است. این سه کلمه عبارتند از: (الف) واژه فرانسوی فراز (phrase) به معنای «جمله»؛ (ب) واژه فارسی فراز به معنای «بلندی» و «اوج»؛ (ج) واژه فرانسوی فاز (phase) به معنای «مرحله». از سه‌جمله‌ای که در بالا ذکر شد جمله‌های (۱) و (۲) ترکیبی از دو واژه (الف) و (ب) است و مقصود گوینده لا‌بد «کلام شاخ» است، و جمله (۳) مخلوطی است از دو واژه (ب) و (ج) و ظاهراً به معنای «لحظه یا مرحله‌مهم».

چنانکه دیده‌می‌شود، این کلمه با این عناصر نامتجانس نه‌فارسی است و نه فرانسوی و اساساً نیازی به استعمال آن نیست.»

<sup>[1]</sup> معنای فراز در این مثال‌ها کاملاً روشن نیست

<sup>[2]</sup> معنای «بیان‌والا» یا «لحظه‌مهم» به کار برده‌اند

<sup>[3]</sup> معنای «بلندی» و «اوج»؛ (ج) واژه فرانسوی فاز (phase) به معنای «مرحله»